

نقد و بررسی

الذریعه و آقا بزرگ تهرانی

○ دکتر علینقی منزوی
کتابشناس و نسخه شناس

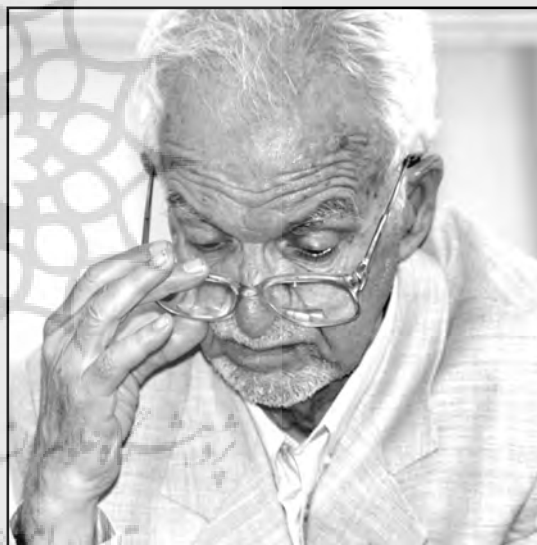
در شب پنج شنبه نوزدهم فروردین هفتم، آوریل ۱۸۷۶ و یازدهم ربیع الاول ۱۲۹۳ هجری قمری در یکی از خانه‌های سه راه دانگی نزدیک پامنار تهران در خانه یکی از روحانیان این شهر، پسری به دنیا آمد که پدر و مادرش، برای احیای نام جد بزرگ پدری او حاجی محسن تهرانی، وی را «محسن» نامیدند. لیکن همیشه او را «آقا بزرگ» خطاب می‌کردند. زیرا طبق عادت قدیمی تهرانیان کودکی که به نام جد کوچک او نامیده شود «آقا کوچک» یا «خانم کوچک» و کودکی که به نام جد بزرگ خود نامیده شود «آقا بزرگ» یا «خانم بزرگ» خوانده می‌شود.

پدر مؤلف الذریعه حاجی علی فرزند حاجی محمدرضا فرزند حاجی محسن فرزند حاجی علی‌اکبر تهرانی، خود از روحانیان تهران بود. او کتابچه‌ای در تاریخ حادثه رژی و تحریم دخانیات نوشته و به سال ۱۳۲۴ هـ. ق. در گذشته است (ذریعه ۳: ۲۵۲).

پدر او محمدرضا جد مؤلف ذریعه نیز از روحانیان تهران بوده، شرح حال وی در «کرام البرره» (ص ۵۶۳) آمده است. او پس از مرگ پدرش حاجی محسن به سال ۱۲۵۰ هـ. ق. ناچار شد کار بازرگانی پدرش را دنبال کند.

پدر محمدرضا حاجی محسن شریک معتمدالدوله، منوچهر خان در بازرگانی و تأسیس نخستین چاپخانه در ایران بوده است. او در ۱۲۴۶ معتمدالدوله را که در آن زمان حاکم گیلان بود وصی خود بر املاکش در گیلان کرد و این وصیتنامه در کتابخانه ذریعه در نجف موجود است (الذریعه ۹: ۱۴۴-۱۴۵).

تحصیلات مقدماتی شیخ آقابزرگ در «مدرسه دانگی» و مدرسه پامنار و سپس در مدرسه فخریه «مرو» به عمل آمد. علوم ادبی را نزد شیخ محمدحسین خراسانی و شیخ محمدباقر معزالدوله، اصول را نزد سید عبدالکریم مدرسی و سید محمدتقی تنکابنی و شیخ محمدتقی پسر حاج شیخ عباس



در معرفی و اهمیت «الذریعه»، این کتابشناسی یگانه و با ارزش شیعه، عالمان بسیاری در طول سالیان گفته‌اند و نگاشته‌اند. اما در این میان سخنان فرزند کتابشناس و نسخه‌شناس این اثر که دنباله راه پدر گرفته و قدم در این راه نهاده و به تمام و کمال از اثر گرانسنگ وی سخن رانده است از گونه‌ای دیگر است.

نظر به ضرورت شناخت دقیق‌تر و هرچه بیشتر الذریعه و دیگر آثار با ارزش حاج آقا بزرگ تهرانی و اهمیت نکاتی که دکتر علینقی منزوی در این باره بیان فرموده‌اند، مقاله ایشان را که در مجله وزین آینده (سال ۶، شماره‌های ۳ و ۴، خرداد و تیر ۱۳۵۹) به چاپ رسیده است عیناً جهت استفاده خوانندگان محترم ارائه می‌کنیم.

وی در حوزه نجف در محضر حاج میرزا حسین نوری در گذشته ۱۳۲۰ ق. و شیخ محمد طاهای نجف در گذشته ۱۳۲۳ ق. و سیدمرتضی کشمیری در گذشته ۱۳۲۳ ق. و حاجی میرزا حسین خلیلی در گذشته ۱۳۲۶ ق. و ملامحمد کاظم آخوند خراسانی از هواخواهان مشروطیت در گذشته ۱۳۲۹ ق. و حاج سید احمد حائری تهرانی و میرزا محمدعلی چهاردهی در گذشته ۱۳۲۴ ق. و سید محمدکاظم یزدی و میرزا محمدتقی شیرازی در گذشته سال ۱۳۳۸ ق. و شیخ شریعت اصفهانی در گذشته سال ۱۳۳۹ ق. استفاده کرد

نهادندی، منطق را نزد میرزا محمد قمی فقه را نزد میرزا محمدتقی گرگانی و حاج شیخ علی نور ایلکایی، ریاضیات را مقداری نزد ایشان و مقداری هم نزد میرزا ابراهیم زنجانی آموخت.

از آثار دوران تحصیلی شیخ چند مجموعه کتب درسی است که به سبب کمبود چاپخانه در آن زمان، وی آنها را به دست خویش نوشته است. یکی از آنها مجموعه‌ای است شامل: ۱- ایساغوجی در منطق که در ۱۳۰۸ هـ / ۱۸۹۰ م. نوشته ۲- شرح ایساغوجی با تاریخ ۲۵ ذی حجه ۱۳۱۱ هـ / ۱۸۹۳ م. ۳- ترکیب تهذیب المنطق ۴- اللثالی المنتظمه. تألیف ملاهادی حکیم سبزواری اسرار. این مجموعه به خط صاحب ذریعه هم اکنون در اهواز نزد سیدمحمد جزائری است و عکس‌هایی از آن در مقدمه «نوابغ الرواة» چاپ شده است.

شیخ در همان سنین جوانی پس از پایان تحصیلات مقدماتی در تهران به مطالعه تاریخ ادبیات و رجال پرداخته بود. گواه بر این مطلب وجود مجموعه دیگری است که نیز به خط خود وی و محتوی کتب زیر است: ۱- رجال نجاشی که آن را در تهران به تاریخ شوال ۱۳۱۴ هـ / ۱۸۹۷ م. نوشته ۲- فهرست منتخب بابویه که آن را در نجف به سال ۱۳۲۰ هـ / ۱۹۰۲ م. نوشته است و نیز یک نسخه از فهرست شیخ طوسی در دست است که به خط صاحب ذریعه در ۸ ربیع الاول ۱۳۱۵ هـ / ۱۸۹۷ م. در تهران پیش از حرکتش به عراق پایان یافته است و آن را با کمک همکار خود شیخ محمد نهادندی تصحیح و تحقیق کرده و در مقدمه‌ای که بر نسخه نوشته کار خود را روشن ساخته است.

شیخ آقا بزرگ در دوران جوانی به همراهی پدر و مادر سفری در ۱۳۱۰ ق. به مشهد و در ۱۳۱۳ سفری به عراق عرب رفته و پس از سه ماه سفری نیز در همین سال به مازندران



کرده است.

سپس در سن بیست و دوسالگی در ۱۰ جمادی‌الثانی ۱۳۱۵ هـ / ۱۸۹۷ م. به قصد تکمیل تحصیلات به عراق رفت و از این تاریخ تا سال ۱۳۲۹ ق. در شهر نجف می‌زیست. وی در حوزه نجف در محضر حاج میرزا حسین نوری در گذشته ۱۳۲۰ ق. و شیخ محمد طاهای نجف در گذشته ۱۳۲۳ ق. و سیدمرتضی کشمیری در گذشته ۱۳۲۳ ق. و حاجی میرزا حسین خلیلی در گذشته ۱۳۲۶ ق. و ملامحمد کاظم آخوند خراسانی از هواخواهان مشروطیت در گذشته ۱۳۲۹ ق. و حاج سید احمد حائری تهرانی و میرزا محمدعلی چهاردهی در گذشته ۱۳۲۴ ق. و سید محمدکاظم یزدی و میرزا محمدتقی شیرازی در گذشته سال ۱۳۳۸ ق. و شیخ شریعت اصفهانی در گذشته سال ۱۳۳۹ ق. استفاده کرد. مخصوصاً تقریرات درس مرحوم آخوند خراسانی را می‌نوشت و از شاگردان مبرز ایشان محسوب می‌شد، و در مبارزات مشروطه خواهی شرکت داشت، و در این موضوع کتابی به نام «المدینة و الاسلام» ترجمه و منتشر کرد.

گذشته از استادان یاد شده از حاج میرزا حسین نوری در گذشته سال ۱۳۲۰ ق. که قدیم‌ترین استاد او است، و نیز از شیخ محمد صالح آل طعا بحرین و شیخ علی خاقانی در گذشته ۱۳۳۴ ق. و سید محمدعلی شاه عبدالعظیمی در گذشته ۱۳۳۴ و شیخ موسی بن جعفر کرمانشاهی و سیدابوتراب خوانساری و شیخ علی کاشف الغطا در گذشته ۱۳۵۰ ق و سیدحسن صدر در گذشته ۱۳۵۴ ق. اجازه روایت دارد.

پس از فوت مرحوم آخوند در سال ۱۳۲۹ ق. ایشان از نجف به کاظمین هجرت کرد و در آنجا به تتبع و تحقیق پرداخت و شروع به تألیف دایرةالمعارف کتاب‌شناسی به نام الذریعه نمود و برای آنکه خاطر آسوده و فراغت بیشتر داشته باشد شهر سامرا کنار دجله در ۱۲۵ کیلومتری شمال بغداد را برای سکونت انتخاب کرد.

مؤلف ذریعه در زمینه جمع‌آوری فهرست عمومی از تمام آثار قلمی شیعه از قدیمترین ایام تا به امروز تتبع نموده است. او از آن سال تا پیش از بیماری طولانی اخیر (سال ۱۹۶۸ م) کتابخانه‌های عمومی و خصوصی عراق عرب و اغلب کتابخانه‌های مهم ایران و برخی کتابخانه‌های سوریه و فلسطین و مصر و حجاز را دیده است، و در برخی از آن کتابخانه‌ها شیخ شبانه روزهای بسیار را گذرانیده است. چون صاحب کتابخانه راضی نمی‌شد که در کتابخانه باز بماند، او خوراک خود را با خویش می‌برد. شب هنگام مدیر در را بر روی شیخ می‌بست و او در آنجا زندانی می‌ماند تا مدیر بر طبق قرار روزی دیگر بازگردد و در را به روی او بگشاید. شیخ اغلب فهرست‌های کتابخانه‌های ترکیه و هند و افغانستان و پاکستان و برخی فهرست‌های اروپایی را نیز از نظر گذرانیده است.

شیخ آقا بزرگ در سن بیست و چهار سالگی با منصوره خانم دختر شیخ علی قزوینی ازدواج کرد و از وی یک پسر به نام محمدباقر و دو دختر به نام‌های مریم و مرضیه دارا شد. این خانم در سال ۱۳۳۵ هـ / ۱۹۱۷ م. درگذشت و پسرش محمدباقر نیز در سن جوانی در سامرا درگذشت. شیخ که گرفتار بچه‌داری بود به ناچار پس از مرگ همسر اولش در همان سال با مریم خانم دختر سیداحمد دماوندی ازدواج نمود و از وی چهار پسر و دو دختر به سنین رشد رسیدند. دو پسر بزرگ او در کار کتاب ذریعه با پدر همکاری دارند. و پسر چهارم دکتر مهندس محمدتقی استاد دانشکده فنی تهران است.

شیخ برای بار دوم به سال ۱۹۳۱/۱۳۵۰، به همراهی عمویش حاج حبیب‌الله تاجر تهرانی سفری به مشهد رفت. در این سفر برای خود و فرزندانش گذرنامه گرفت. و لقب (منزوی) را در شناسنامه ثبت نمود، اگرچه به این لقب شهرت نیافت لیکن در ذریعه ج ۱۵ ص ۱۲۸ از آن یاد کرده است. سفر سوم او به مشهد در سال ۱۳۶۵ هـ / ۱۹۴۶ م. و سفر چهارمش

به سال ۱۹۶۲/۱۳۸۱ م. بود.

تا سال ۱۹۳۵/۱۳۵۴ م. شیخ در سامراء اقامت داشت. در این هنگام که اثر نفیس خود را قابل انتشار دید، درصدد چاپ آن برآمد. حادثه‌ای ناشی از تعصب ضد شیعی و ضدایرانی سامرائی‌ها و کشتن شیخ هادی تهرانی به دست ایشان به مؤلف فهمانید که نمی‌تواند با اقامت در این شهر به چاپ کتاب خود بپردازد. بدین منظور محل اقامت خود را از سامراء به نجف انتقال داد. صاحب ذریعه در نجف با کمک مالی عمویش حاج حبیب‌الله محسنی تاجر، چاپخانه‌ای به نام «مطبعة الساده» برپا نمود تا کتاب خود را در آن به چاپ رساند و لیکن دولت پادشاهی عراق به عذر اینکه ایشان ایرانی هستند مانع از عمل گردید.

تا اینکه پس از مشقت‌های بسیار چاپخانه را زیر نظر یک نفر عراقی قرار دادند. باز دولت وقت به بهانه‌های دیگر در چاپخانه را بست. صاحب الذریعه به ناچار چاپخانه را فروخت تا مگر کتاب را در چاپخانه‌ای دیگر به چاپ رساند. پس از چاپ شدن جلد اول باز وزارت فرهنگ سلطنتی عراق شش ماه از انتشار آن جلوگیری کرد و بزرگترین بهانه‌اش آن بود که نام مؤلف آن فارسی است. یادآور می‌شود که مجلدات ذریعه هنوز هم در یکی دو کشور عربی به عنوان تبلیغات شیعی و ایرانی ممنوع الورد می‌باشد.

شیخ آقا بزرگ تهرانی را، زهد و پرهیز، از اوائل جوانی به سحرخیزی و پیاده‌روی واداشته بود. او از سن ۴۰ تا ۷۰ سالگی، در بیست و چهار ساعت فقط دو وعده صبح و ظهر غذا می‌خورد و شب را با معدۀ خالی به رختخواب می‌رفت. خواب او در شب‌های بلند از پنج ساعت تجاوز نمی‌کرد. یک ساعت پیش از فجر برمی‌خاست و پیاده به زیارت قبرستان شهر و حرم امام می‌رفت و پس از انجام نماز بامداد پیاده به خانه بازمی‌گشت و پس از صرف ناشتایی به کتابخانه که محل کار او بود می‌رفت و تا ظهر مشغول کار بود. بعداز ظهر پس از صرف نهار و کمی استراحت دوباره به کتابخانه برمی‌گشت و تا نزدیک مغرب مشغول کار بود، سپس به مسجد و حرم می‌رفت و پس از انجام نماز مغرب و عشا بازمی‌گشت و چند ساعت از شب را نیز در کتابخانه مشغول کار بود. پی‌گیری او چنان بود که چون در حل مشکلی مربوط به تاریخ مرگ یا تولد دانشمندی یا شناسایی کتابی یا نسبت کتاب به مؤلفش گیر می‌کرد، گاه شب‌ها را تا بامدادان در کتابخانه می‌ماند، و گاه مدت این گرفتاری به چند روز می‌کشید و چون گمشده خویش را با حل مشکل می‌یافت گویی دنیا را بدو داده‌اند خورسند و خوشحال می‌نمود. شیخ دقیقه‌ای از کار بازمی‌ایستاد، حتی آنگاه که میهمان یا دانشجویی بر او وارد می‌شد پس از احوال‌پرسی و جواب پرسش‌های علمی، دوباره با معذرت خواهی به کار خود

بازمی‌گشت. او در پذیرایی میهمان حداکثر شکسته نفسی را داشت، به هیچ کس اجازه بوسیدن دستش را نمی‌داد و بی‌اختیار دستش را از جلو کسی که خم می‌شد به طرف خود می‌کشید. او میهمان را، هرچند که اختلاف سن می‌داشت تا در خانه بدرقه می‌کرد.

الذریعة الی تصانیف الشیعة

دایرة المعارفی است در کتابشناسی مرتب بر حروف الفبا که در آن، تاریخ ادبیات شیعه در چهارده قرن گرد آمده است. چون جرجی زیدان «تاریخ آداب اللغة العربیة» را منتشر کرد و در آن بذر تعصب ملی را پاشید، به قصد تحقیر ادبیات ملل مسلمان غیرعرب، نسبت به ادبیات شیعه که در شرق فرات بیش‌تر از غرب فرات شیوع دارد به طرز زنده‌ای یاد کرد، از این روی چند تن از علمای میرز شیعه در صدد پاسخ علمی به ادعای او برآمدند، و پس از مذاکراتی که انجام شد سه تن از ایشان تعهد کردند که هریک کاری را به ترتیب زیر انجام دهند:

- ۱- سیدحسن صدر تعهد نمود که کتابی در پایه‌گذاری شیعه و علوم اسلامی بنویسد.
- ۲- شیخ محمدحسین کاشف الغطاء تعهد نمود که نقایص و اغلاط کار جرجی زیدان را نشان دهد.
- ۳- شیخ آقا بزرگ تعهد نمود که تاریخ ادبیات شیعه را جمع‌آوری کند.

نتیجه کار نخستین ایشان «تأسیس الشیعه لفنون الاسلام» که خلاصه آن به نام «الشیعة و فنون الاسلام» در ۱۳۳۱ ق چاپ شد و سپس خود کتاب پس از مرگ مؤلف با تشویق صاحب ذریعه به وسیله سید محمد پسر سیدحسن صدر چاپ شد.

نتیجه کار کاشف الغطاء به صورت کتاب «المراجعات الریحانیة» و «التقود و الردود» منتشر گردیده که در جزء دوم آن به اشتباهات جرجی زیدان پرداخته است. آقابزرگ گرچه دیرتر از دیگر همکارانش به نتیجه رسید، ولیکن نتیجه‌ای که وی به دست داد قابل قیاس به نتایج آن دو بزرگوار نبود. او الذریعه را به وجود آورد که مجلدات آن به ترتیب زیر منتشر گردیده است.

مجلد اول: در سال ۱۳۵۵ ق/ ۱۹۳۴ م چاپ و در سال بعد منتشر گردید. این مجلد شامل سه مقدمه است که یکی از آن خود مؤلف است و دیگری از شیخ محمدعلی اردوبادی و سوم از شیخ محمدحسین کاشف الغطاء و تقریظی از سید حسن صدر. سپس اصل کتاب آغاز می‌شود و تعداد ۱۶۰۸ کتاب را معرفی می‌کند و در ضمن آنها از ۸۰۰ اجازه از اجازات علمای شیعه ذکر شده است که بهترین نمودار زنجیره اسناد و طبقات علمای شیعه است. چون نسخه‌های این مجلد نایاب شده بود اخیراً در

تهران تجدید چاپ گردید.

مجلد دوم: در سال ۱۳۵۶ در نجف منتشر گردید و در آن تعداد ۲۰۴۵ کتاب معرفی شد. در این مجلد حرف الف به پایان رسیده است. در فصل «اصل» این مجلد اصول چهارصدگانه شیعی معرفی شده است. ایران باستان نیز مهم است.

مجلد سوم: مؤلف در سال ۱۳۵۷ هـ. ۱۹۳۸ م توانست مجلد سوم از کتاب خود را در همان نجف چاپ کند، این مجلد مشتمل بر حرف‌های ب - پ و مقداری از حرف ت می‌باشد و تعداد ۱۹۱۸ کتاب در آن معرفی گردیده است. پیش آمد جنگ بین المللی و بدی اوضاع باعث تأخیر چاپ بقیه مجلدات ذریعه گردید تا اینکه در سال ۱۹۴۳ م. / ۱۳۶۳ هـ. ق.

مجلد چهارم: ذریعه در تهران توسط فرزند مؤلف علی‌نقی منزوی چاپ و منتشر گردید. این مجلد مشتمل بر ذکر ۲۲۰۴ کتاب است. تاریخچه تقویم‌نویسی در ایران و فهرستی از حدود ۷۰۰ کتاب از کتب تفسیر نیز از بخش‌های ممتنع این مجلد است. این مجلد و پس از آن تا جلد پانزدهم شامل اضافات و حواشی فرزند مؤلف علی‌نقی منزوی می‌باشد.

مجلد پنجم: هم در آذرماه ۱۹۴۴/۱۳۲۴ م. از چاپ خارج شد. این مجلد مشتمل بر حرف‌های ت - ج - ح می‌باشد و ۱۳۱۴ کتاب را معرفی نموده است. بسیاری از کتب علم کلام شیعه به عنوان «جواب» و «جوابات» در این مجلد آمده است.

مجلد ششم: نیز به سال ۱۳۲۶ هـ. / ش. / ۱۹۴۷ م. در ۴۱۲ ص در چاپخانه بانک ملی در تهران چاپ و پخش گردید. این مجلد محتوی معرفی ۲۴۷۳ کتاب است و ۷۶۳ کتاب حدیث در آن یاد گردیده که منابع اصلی حقوق شیعه است و اکثر آنها در سده سوم و چهارم هجری تألیف شده و در شمار چهارصد اصل شیعه است. بخش معرفی حاشیه‌ها در این مجلد نیز ممتنع است و ۱۲۷۳ حاشیه را معرفی می‌کند و نمودار کارهای علمای قرن دهم هجری است که عبارت از دنباله روی و تقلید از یکدیگر است و سزد که این قرن را «قرن حاشیه‌نویسی» نام دهند، در پایان این مجلد و مجلدات هفتم و هشتم فهرستی از برخی کتابخانه‌هایی که مورداستفاده مؤلف ذریعه بوده است و به وسیله علی‌نقی منزوی تهیه و چاپ شده است.

مجلد هفتم: این مجلد به سال ۱۳۲۹ ش/ ۱۹۵۰ م. در ۳۰۲ ص در چاپخانه مجلس چاپ شد و بخش‌های «خمس» و «خطبه» در این مجلد اهمیت تاریخی دارند.

در این مجلد ۱۴۱۷ کتاب معرفی شده و به حرف خاء پایان یافته است و در پایان قسمتی از فهرست کتابخانه‌های مورد استفاده مؤلف دیده می‌شود.

مجلد هشتم: این مجلد به سال ۱۳۳۰ ش در ۳۰۴ ص در چاپخانه مجلس تهران چاپ شد و محتوای تمام حرف دال است به استثنای دیوان‌ها که در مجلد نهم جمع شده است.

بخشی درباره تاریخ دایرةالمعارف نویسی و بخشی دیگر درباره تاریخ داستان سرایی و دیگر درباره تاریخ دعانویسی و دیگری تاریخچه دفتر تقویم از بخش‌های مفید این مجلد است.

مجلد نهم: این مجلد به شعر و شعرای شیعه اختصاص دارد و به ترتیب حروف آغاز تخلص شاعران مرتب گردیده است و نام هر شاعری که اثری از وی باقی است یاد شده است.

این مجلد در چهار جزء که مجموعاً ۱۵۴۰ ص است چاپ و آثار هشت هزار و پانصد شاعر در آن ذکر شده است و خود یک تذکره شعرای کامل به حساب می‌آید که از این حیث نیز به کلی بی‌نظیر است. بخش اول این مجلد در سال ۱۳۳۳ ش. و بخش دوم در سال ۱۳۳۸ ش. و بخش سوم در سال ۱۳۴۲ ش و بخش چهارم در سال ۱۳۴۶ ش. منتشر گردید.

در پایان بخش چهارم دو فهرست بسیار مفید دیده می‌شود. نخست فهرست انساب شعراء است. در این فهرست شعراء به شهرها و حرفه‌ها و خانواده‌های خود دسته‌بندی شده‌اند. مثلاً مراجعه‌کننده می‌تواند بدست آورد که چند شاعر اصفهانی داشته‌ایم و یا چند شاعر خطاط یا مصور و یا حسنی و حسینی در ذریعه معرفی شده است. در فهرست دوم کلیه آثار شاعران به ترتیب حروف الفبا جمع شده است.

به وسیله این فهرست می‌توانیم دریابیم که چند شاهنامه و یا یوسف و زلیخا مثلاً در الذریعه آمده است. مقایسه چاپ شده مجلد از طرف علی‌نقی فرزند مؤلف بدان اضافه شده است.

مجلد دهم: این مجلد به سال ۱۳۳۵ ش. / ۱۹۵۶ م. در ۲۷۲ ص در چاپخانه مجلس شورا در تهران چاپ شده است، و مجموعاً ۸۸۵ کتاب در آن معرفی شده است.

مقداری از کتب علم کلام به عنوان «رد...» و بسیاری از کتب به عنوان «رجال» در این مجلد دیده می‌شود.

مجلد یازدهم: این مجلد در ۱۳۳۷ ش. / ۱۹۵۸ میلادی در ۳۴۶ ص در چاپخانه مجلس چاپ شده است و برای نخستین بار نام فرزند مؤلف نیز بر پشت مجلد ثبت گردیده شده است. در این مجلد مقداری از کتابچه‌های بی‌نام به عنوان «رسالة...» پیوست حروف یاد شده است و سپس حرف راء در این مجلد به پایان می‌رسد. جمعاً ۲۰۴۲ کتاب را معرفی نموده است.

مجلد دوازدهم: این مجلد که شامل حرف ز، ژ، س است در همان چاپخانه در طهران به سال ۱۳۴۰ ش. / ۱۹۶۲ م. در ۲۹۴ ص. چاپ شد. عنوان‌های زیبیج برای تاریخ علم نجوم در ایران و «ساقی نامه» برای تاریخ ادبیات انقلابی دوره اول صفوی است و بخش‌های مفیدی از این مجلد را تشکیل می‌دهند.

مجلد سیزدهم: این مجلد شامل نیمی از حرف شین است و در ۲۹۴ ص در نجف زیر نظر خود مؤلف و تصحیح یکی از

شاگردان جوان ایشان (آقای سیدمحمد حسن طالقانی) مدیر مجله المعارف در نجف چاپ شده است و معرفی ۱۴۷۷ کتاب را در بردارد.

مجلد چهاردهم: این مجلد در چاپخانه‌ی الاداب در نجف مانند جلد سیزدهم چاپ شده ۳۷۶ صفحه دارد. تصحیح این مجلد به دست یکی از شاگردان قدیمی و دانشمند مؤلف، آقای سیدمحمد صادق بحرالعلوم انجام گرفته است و آخرین رقم آن نشان می‌دهد که در این دو مجلد حرف شین ۲۵۷۴ کتاب معرفی شده است.

بخش شرح‌های حرف شین مانند بخش حاشیه‌ها در حرف ح (در جلد ششم) نمودار ادبیات توضیحی و تعلیقی می‌باشد و نشان می‌دهد که چگونه مدت‌ها دانشمندان ما به خود فرورفته و به گرد مسائل کهن پیچیده و به جای ابتکار و تصنیف، به تکرار کار گذشتگان پرداخته‌اند. در این بخش حدود ۱۹۰۰ شرح دیده می‌شود. نظم و ترتیب علمی که مصحح جلد ششم برای حاشیه‌ها ایجاد کرده و در شرح‌ها دیده نمی‌شود. در جلد ششم نخست کتاب حاشیه‌نویسی شده معرفی می‌گردد و سپس حاشیه‌های آن پشت سر یکدیگر نهاده می‌شود، لیکن در جلد‌های ۱۳-۱۴ این عمل به صورت ناقص انجام شده است کتاب‌های شرح شده گاهی معرفی نمی‌شوند و گاهی مکرر تعریف می‌شوند.

مجلد پانزدهم: در این مجلد حروف س، ض، ط، ظ، ع جمع شده است و در چاپخانه دانشگاه تهران به سال ۱۳۴۳ ش. / ۱۹۶۵ م در ۴۰۰ ص مانند مجلدات پیشین از سیزدهم با تصحیح و اضافات فرزند مؤلف علی‌نقی منزوی چاپ و پخش شده است این آخرین جلد است که به تصحیح او پخش گردید و پس از انتقال او به بیروت، برادرش احمد منزوی فرزند دوم مؤلف کار وی را در تهران ادامه داد.

مجلد شانزدهم: این مجلد شامل حرف‌های ف، ع، غ می‌باشد و به تصحیح فرزند دیگر مؤلف احمد منزوی در ۴۴۲ ص در چاپخانه دانشگاه تهران به سال ۱۳۴۶ ش. / ۱۹۶۷ م. چاپ شده است. احمد منزوی غیر از تصحیح و اضافه، فهرستی برای نام مؤلفان یاد شده در این جلد در پایان افزوده است، و این کار را در مجلدات پس از آن نیز ادامه داده است.

مجلد هفدهم: در این مجلد حرف «ق» و نیمی از حرف «ک» آمده و به تصحیح احمد منزوی در چاپخانه اسلامییه به سال ۱۳۴۸/۱۳۸۷ م چاپ شده است. در حرف قاف ۱۳۴۸ کتاب و در حرف کاف این مجلد ۳۸۰ کتاب معرفی شده است. فهرست مؤلفان نیز مانند جلد پیشین به دنبال آن هست. در این مجلد و مجلدات آینده تعداد کتب شیعه اسماعیلی بیشتر شده است و سبب آن انتشار فهرست کتب ایشان تألیف مجدوع توسط علینقی منزوی می‌باشد. این کتاب مدرک کارهای ایوانف درباره تاریخ ادب اسماعیلی بوده و تنها خواص

از آن اطلاع می‌داشتند.

مجلد هجدهم: در این مجلد باقی حرف «ک» و همه حرف «ل» آمده است. در همه حرف «ک» ۱۳۴۳ کتاب و در همه حرف «گ» ۲۸۰ کتاب و در همه حرف «ل» ۶۲۷ کتاب معرفی شده است. این مجلد نیز مانند پیشین در چاپخانه اسلامیة تهران به سال ۱۹۶۷ م/۱۳۷۸ هـ به تصحیح احمد منزوی چاپ و در ۴۳۶ ص منتشر گردیده است.

مجلد نوزدهم: این مجلد بخشی از حرف میم را در بردارد و در ۴۰۹ ص در همان چاپخانه با تصحیح و اضافات احمد منزوی به سال ۱۳۸۹ ق = ۱۹۶۹ م چاپ شده است. در عنوان مثنوی در این مجلد پیرامون ۱۱۵۰ مثنوی یاد شده است که برخی از آنها در مجلد نهم نیز نیامده است.

مجلد بیستم: این مجلد از مجتبی تامسبل از حرف میم را در بردارد و به سال ۱۳۹۰ هـ / ۱۹۷۰ با تصحیح و اضافات احمد منزوی چند ماه پس از مرگ مؤلف منتشر گردیده و در آغاز آن خلاصه شرح حالی از ایشان در ۱۲ صفحه چاپ شده. عنوان‌های قابل دقت این مجلد «مسائل» و «مسئله» و «مزار»، «مختصر»، «مختار»، «مجموعه»ها می‌باشد. این مجلد دارای ۴۲۸ صفحه و کتابشماری آن از ۱۶۸۱ تا ۳۶۵۸ می‌باشد.

مجلد بیست و یکم: از نام «مستبین» تا «مقاله» را از حرف میم در بردارد و کتاب شماری آن از ۳۶۵۹ تا ۵۷۱۹ می‌باشد. مهمترین عنوان‌های عمومی آن «مشیخة»، «معاد»، «مغرب»، «معرفة»، «مقاله و مقالات» است. این مجلد به سال ۱۳۹۲ هـ / ۱۹۷۲، در ۴۵۲ صفحه با تصحیح و اضافات آقای احمد منزوی در چاپخانه اسلامیة منتشر شده است.

مجلد بیست و دوم: این مجلد نام‌های از «مقالید» تا «منتخب» را از حرف میم در بردارد و با تصحیح و اضافات همان منزوی به سال ۱۳۹۳ هـ / ۱۹۷۴ م. در ۴۴۴ صفحه در همان چاپخانه منتشر شده است. کتابشمار این جلد از ۵۷۲۰ تا ۷۸۱۰ می‌باشد. مهمترین عنوان‌های عمومی آن «مقالات»، «مقتل»، «مقدمه»، «مکاتبات و مکاتیب و مکتوب»، «ملخص»، «مناسک»، «مناظرات»، «مناقب»، «منتخب» می‌باشد.

مجلد بیست و سوم: آخرین مجلد حرف میم است و «منتزع» تا «میوه» را در بر دارد. کتاب شمار آن نشان می‌دهد که در حرف میم کلاً ۹۱۸۰ کتاب معرفی شده است. این مجلد به سال ۱۳۹۵ هجری قمری با تصحیح و اضافات احمد منزوی در چاپخانه اسلامیة تهران در ۳۶۲ صفحه چاپ شده است. عنوان‌های مهم آن «منشآت»، «منطق»، «منظومه»، «موسیقی» می‌باشد. احمد منزوی پس از انتشار این مجلد به پاکستان سفر کرد تا به تکمیل «فهرست نسخه‌های خطی فارسی» خود بپردازد که تاکنون شش مجلد آن منتشر شده است.

مجلد بیست و چهارم: شامل تمام حرف نون است و ۲۳۱۵

کتاب در آن معرفی شده است و طبق فهرستی که در آخرین صفحه آن دیده می‌شود؛ این ۲۴ جلد شامل ۱۰۷۴۱ صفحه است و ۵۱۴۲۳ کتاب در آن معرفی شده است.

مهمترین عنوان‌های عمومی که در این مجلد دیده می‌شود؛ نامه‌ها، نجوم، نحو، نزهة، نسب، نسخه، نصاب، نظم، نفس، نقد، نقض، نکاح، نوادر، نوروزیه، نهاییه، نهج، نیت، می‌باشد. در «نجوم» تاریخچه این علم و پیشگامی ایرانیان در ترجمه آن برای مسلمانان به زبان عربی و در «نوادر» تاریخچه‌هایی از تألیفات کوچک در سه قرن اول اسلام دیده می‌شود که به چهارصد اصل معروف بوده‌اند. این مجلد با تصحیح و تنقیح و اضافات دکتر علینقی منزوی منتشر شده است.

مجلد بیست و پنجم: این جلد شامل حرف‌های و - ه - ی است و از «وائق» تا «یهودی سرگردان» را در بر می‌دارد و مجموعاً ۱۸۰۵ کتاب در آن معرفی شده است. ۸۷۵ کتاب آن در حرف واو است و عنوان‌های مهم آن «الواحد لا یصدر منه الا واحد»، «واقعات» و ده عنوان «وامق و عذرا»، «الوجود»، «الوجیزه»، «وحدة الوجود»، «وسیله»، «وصیت»، «وقائع الایام»، «وقف». در حرف «ه» ۶۵۰ کتاب معرفی شده است و عنوان‌های مهم آنها: «الهدایة» و «هدیه»، «هشت...»، «هفت...»، «هندسه»، «هیئت» می‌باشد.

در حرف «ی» ۲۸۰ کتاب معرفی شده که عنوان‌های مهم آن: «یادداشت»، «یادگار»، «ینابیع»، «یوسف و زلیخا»، «یوم و لیله» می‌باشد. در پایان این مجلد تاریخچه چاپ مجلدات ۲۵ گانه ذریعه و فهرست اسماء مؤلفان کتب معرفی شده در این مجلد و یک استدرک برای اغلاط ۲۵ مجلد ذریعه و ارجاع‌های مفید در آنها آمده که شامل ۱۴۳ صفحه است. ذریعه شامل ۱۱۲۳۹ صفحه است و در آن ۵۳۵۱۰ کتاب معرفی شده است.

مستدرک ذریعه

از آقای دکتر منزوی پرسیده‌اند آیا برای استدرک از قلم افتاده‌های این دایرة المعارف کتابشناسی (ذریعه) فکری کرده‌اید؟ ایشان گفته: به نظر من اگر ادبیات شیعی را به دو بخش بزرگ فارسی و غیرفارسی تقسیم کنیم، باید قبول کنیم که مرحوم پدرم از بخش غیرفارسی ادبیات شیعه ۹۷٪ را در این دایرة المعارف گردآورده یعنی از این بخش بیش از ۱٪ از قلم او نیفتاده است. اما در بخش ادبیات فارسی شیعه باید اذعان کرد که آن مرحوم موفق به گردآوری بیش از ۵۰٪ نشده است، پس مسلماً باید برای باقی مانده فکر استدرک بود. اما چون در این مستدرک اکثریت مطلق با آثار فارسی شیعه خواهد بود، نوشتن چنین فهرستی نیز به زبانی غیرفارسی تا اندازه‌ای غیرطبیعی به نظر خواهد رسید.

از طرف دیگر، انتشار مجلدات متعدد از فهرست نسخه‌های خطی فارسی که به وسیله برادر احمد منزوی فرزند دوم صاحب ذریعه تهیه و چاپ شده است گوشه‌ای دیگر از این مشکل را حل کرده است، بدین معنی که هر چند همه مؤلفان کتب مذکور در آن فهرست از نظر سیاسی شیعی نبوده‌اند لیکن اکثریت مطلق آن مؤلفان فارسی‌نویس، از نظر فلسفی شیعی بوده یعنی در مسائل مورد اختلاف حسن و قبح عقلی و شرعی، جبر و اختیار و عدل و ظلم و توحید اکثریت شیعی مذهبی بوده‌اند. بنابراین تهیه فهرستی دیگر به نام مستدرک ذریعه برای ادبیات فارسی شیعی چندان منطقی به نظر نمی‌رسد.

با این همه باید بگوییم که مؤلف ذریعه در چندین جا اشارت‌هایی به «مستدرک ذریعه» که در نظر داشته است، نموده و یادداشت‌هایی متفرق نیز در این مورد از ایشان در کتابخانه باقی است. اما مقدار آنها از یکدهم یک مجلد ذریعه کمتر است.

به خاطر دارم که سال ۱۳۲۵ مرحوم پدرم صاحب ذریعه به تهران آمده بودند و موقتاً در منزل مرحوم آل احمد طالقانی پدر جلال آل احمد که پسر دختر خواهر مؤلف ذریعه است در کوچۀ پامنار خیابان خیام وارد شده بود. روزی شادروان محمد قزوینی و مرحوم دکتر قاسم غنی مؤلف تاریخ عصر حافظ به دیدار ایشان آمدند. مرحوم قزوینی در ضمن تجلیل از دایرةالمعارف کتابشناسی ذریعه ذکری از قاضی نورالله شوشتری نمود و فرمود به سبب تالیف «مجالس المؤمنین» برخی به ایشان لقب «شیعه تراش» داده‌اند. پدرم که این سخن را از جاهای دیگر نیز شنیده بود، گوشه و تعریضی به خود تلقی نمود و در هم شدند، اما به خاصیت کم حرفی و حاضر جواب نبودن، سکوت کردند، ولی دکتر غنی به شدت از قاضی نورالله دفاع کرد.

پس از بیرون شدن میهمانان شادروان پدرم فرمود: قاضی نورالله شهید ثالث است و بزرگترین خدمت‌ها را با تالیف دایرةالمعارف «مجالس المؤمنین» برای شیعه انجام داده است. این لقب را سنی‌مآبان پس از صاحب ریاض العلماء بدو داده‌اند، که تقلیدی است از لقب «ولی تراش» که جامی شاعر اهل سنت قرن نهم به نجم‌الدین کبری داده بود. قاضی نورالله فیلسوف عالی مقام است. او کسانی را که از نظریات فلسفی شیعه دفاع می‌کردند شیعه می‌شمرد. به نظر او کسانی که حسن و قبح را عقلی بدانند نه شرعی، و قائل به عدل و توحید اشراقی باشند نه عددی، منکر جبر و انقطاع فیض با مرگ پیغمبر باشند، ناچار به امامت قائل خواهند بود نه خلافت. هفته بعد شادروان پدرم به اتفاق آقای جلال محدث داماد آل احمد و مرحوم جواد کمالیان رئیس کتابخانه دانشکده

حقوق و من برای بازدید مرحوم قزوینی که در منزل دکتر علی شایگان (رئیس دانشکده حقوق) واقع در خیابان جم (کاخ) سکونت می‌داشت رفتیم. پدرم در ضمن صحبت، موضوع قاضی نورالله را به میان آورد و مطالبی را که در خانه برای ما گفته بود با تفصیل بیشتر بیان نمود. این بار مرحوم قزوینی سکوت و گاهی تأیید می‌کرد. در این جلسه مرحوم جواد کمالیان چندین قطعه عکس از حضار برداشت.

طبقات اعلام الشیعه

دومین اثر مؤلف الذریعه یک دوره رجال بدین نام است. وی از سال ۱۳۲۹ هـ / ۱۹۱۱ م. که به گردش و جست‌وجوی در کتابخانه‌ها اشتغال داشته، و برای به دست آوردن احوال و آثار علما و ادبای شیعه در طی قرون گذشته کوششی خستگی‌ناپذیر به خرج داده، دانشمندانی که هریک در روزگار خویش ستاره درخشانی به شمار می‌آمدند و امروزه جز نامی با چند سطر اثری در پشت کتاب کهن و اوراق موربانه زده از ایشان چیزی باقی نمانده بود، زنده کرده و احوال ایشان را در معرض دسترس همگان قرار داده است.

وی این گنجینه بزرگ را به یازده بخش تقسیم کرده است، و هریک را به قرن از سده چهارم هجری تا چهاردهم اختصاص داده است و هر قرن را به ترتیب حروف هجای آغاز نام آن بزرگان مرتب ساخته و نامی ویژه بدان داده است. نام این یازده بخش در مقدمه جلد اول ذریعه و پشت جلد پنجم آن دیده می‌شود، و هریک از آنها در یک یا چند جلد است. مقداری از دو بخش این دوره در زمان زندگانی مؤلف به ترتیب زیر چاپ شد:

قرن چهاردهم: از بخش مربوط به سده چهاردهم هجری از این کتاب بزرگ که خود «نقباء البشری القرن الرابع عشر» نام دارد، چهار مجلد در ۱۶۷۸ ص در نجف از چاپ بیرون آمده و از حرف الف تا آخر حرف عین را در بر دارد، و در آن ۲۲۲۸ تن از دانشمندان معاصر معرفی شده‌اند. آقای سیدمحمد حسن طالقانی نجفی از شاگردان مؤلف در اخراج و تصحیح این مجلدات سهم بسزا داشته است.

قرن سیزدهم: این بخش که دانشمندان سده سیزدهم هجری را در بردارد و «الکرام البررة فی القرن الثالث بعد العشرة» نام دارد، دو جلد در نجف چاپ شده که جمعاً ۸۵۲ ص دارد و تا کلمه علی ۱۵۶۷ تن را معرفی کرده است.

مجلدات پنج گانه دیگر کتاب که توسط علینقی منزوی طبع شده عبارت است از:

۱- نوابغ الرواة فی رابعة المآت: این بخش که دانشمندان شیعه در سده چهارم هجری را در بر دارد به سال ۱۹۷۱ م در ۳۶۵ صفحه و فهرست و یک مقدمه ۴۶ صفحه‌ای از مصحح

یعنی علینقی منزوی در معرفی کتاب و خاطراتی از پدرش (مؤلف کتاب) و نوع کار و مصادر آن منتشر گردید.

۲- النابس فی القرن الخامس: این بخش نیز که دانشمندان سده پنجم را در بردارد در همان سال ۱۹۷۱ م در ۲۲۹ صفحه منتشر گردید.

۳- الثقات العیون فی سادس القرون: این بخش دانشمندان سده ششم هجری را در بردارد و در ۳۶۳ صفحه در بیروت به سال ۱۹۷۲ م منتشر گردید.

۴- الانوار الساطعه فی المائة السابعة: در این بخش دانشمندان شیعه در سده هفتم دیده می‌شوند در ۲۳۱ صفحه در بیروت ۱۹۷۲ م منتشر گردید.

۵- الحقائق الراهنة فی المائة الثامنة: این بخش که شامل دانشمندان شیعه در سده هشتم هجری است سال ۱۹۷۵ در ۲۷۰ صفحه منتشر گردیده است. حوادث جنگ داخلی لبنان علینقی منزوی را دوباره به تهران بازگردانید و کار چاپ طبقات در بیروت فعلاً متوقف مانده است.

مصفی المقال فی مصفی علم الرجال

صاحب ذریعه در این کتاب شرح حال تاریخ‌نویسان را در تمام ادوار اسلامی گرد آورده و در پیرامون ششصد تن از پیشگامان خود را معرفی کرده است. این کتاب را فرزند دوم مؤلف ذریعه احمد منزوی در تهران تصحیح و به سال ۱۳۳۷ ش / ۱۹۵۸ م در ۶۲۶ ص چاپ کرد.

آثار دیگر مؤلف الذریعه:

۶- منتخبی از مصفی المقال یاد شده، که تحت عنوان «المشیخه» یا «الاسناد المصفی» در نجف به سال ۱۹۳۷/۱۳۵۶ م چاپ شده است. در این کتابچه فقط از کسانی یاد شده است که در طریق روایت و زنجیره سند اجازات ایشان واقع شده‌اند. به همین سبب صاحب الذریعه از نسخه‌های این کتابچه به عنوان «اجازه نامه» استفاده می‌نمود، و با نوشتن چند سطر اجازه روایتی در پایان هر نسخه این کتاب، به نام یک شاگرد، به وی اجازه نامه می‌داد. الذریعه ج ۲ ص ۷۰ و ج ۳ ص ۴۹۱ و ج ۱۰ ص ۵۱ دیده شود.

۷- هدیه‌الرازی الی المجدد الشیرازی: در شرح احوال آیت‌الله میرزا محمدحسن شیرازی است. این کتاب اخیراً توسط یکی از نوادگان دختری شیرازی چاپ شده است.

۸- النقد الطیف فی نفی التحریف عن القرآن الشریف: صاحب الذریعه در این کتاب از استاد خویش حاجی نوری و کتاب او «فصل الخطاب فی تحریف الکتاب» دفاع نموده و او را از قول به تحریف به معنی تغییر و تبدیل تبرئه کرده است. کتاب توسط علی‌نقی منزوی فرزند مؤلف به فارسی

برگردانیده شده و در ذریعه (ج ۴) یاد شده است.

۹- توضیح‌الرشاد فی تاریخ حصرالاجتهاد: همانگونه که از نام این کتابچه هویدا است درباره مذهب اجتهاد در فروع احکام و تاریخ پیدایش مذهب تقلید و سد باب اجتهاد و حصر حق اجتهاد به چهار تن پیشوا نزد اهل سنت است. این کتاب به درخواست یکی از علمای موصل تألیف شد.

۱۰- تفنید قول العوام بقدم الکلام: این کتابچه نیز درباره یک مسئله کلامی است که مورد نزاع میان معتزله و اشاعره در دوره عباسی بوده است که آیا قرآن قدیم است یا حادث، این رساله نیز به درخواست همان عالم موصلی نوشته شده و در ذریعه «ج ۴ ص ۳۶۱» یاد شده است.

۱۱- ذیل المشیخه: در مشایخ مؤلف از اهل سنت. این رساله در آغاز کتاب «الوضوء فی الکتاب و السنة» چاپ شده است. شماره ۴ منتخبی از مصفی دیده شود.

۱۲- ضیاءالمغازات فی طرق مشایخ الاجازات.

۱۳- اجازات الروایة و الوراثة فی القرون الاخیره: برای تفصیل معرفی این کتاب ذریعه ج ۱، ص ۱۲۹ دیده شود.

۱۴- مسندالامین: اجازه مفصلی است که برای مؤلف کتاب «شهداء الفصیلة» و العذیر مرحوم امینی نوشته است.

۱۵- حیاة الشیخ الطوسی: در شرح احوال شیخ طوسی، که در آغاز چاپ «التیان» و جداگانه در ۱۵۰ ص چاپ شده است. این کتاب پس از چاپ جلد هفتم ذریعه تألیف و طبع شده است.

مؤلف ذریعه خلاصه‌های بسیاری از کتب دیگران بیرون آورده که هریک برای خود کتابی مستقل به شمار است مانند:

۱۶- الدرۃ النفیس فی تلخیص رجال التأسیس: ذریعه ۸: ۸۶-۸۷ دیده شود.

۱۷- محصول مطلع البدور فی تلخیص ما فیہ من المنثور: ذریعه ۲۰: ۱۵۱.

۱۸- الیاقوت المزدهر فی تلخیص ریاض الفکر:

۱۹- ملخص زادالسالکین از فیض کاشانی: تفصیل را در ذریعه ۱۲: ۲-۳ و ج ۲۲: ۲۰۷ ببینید.

۲۰- نزهة البصر فی فهرس نسخة السحر: حرف نون ذریعه دیده شود.

۲۱- چند کتابچه در انساب نوشته یا کتب انساب را مشجر و شاخه‌بندی کرده.

۲۲- الظلیلة فی النساب البیوتات الجلیله.

۲۳- تشجیر حدیقه النسب، للافتونی.

۲۴ و ۲۵- وی تقریرات درس‌های استادان خویش چون آخوند خراسانی و شیخ شریعت اصفهانی را به صورت کتاب مستقل نوشته است.